

موزه شهدا

محمدصادق دهنادی

گنجینه عرفان، مظلومیت

همه هستند

شهیدی که انگشتش خودش را بعد از شهادت تعمیر کرده، شهیدی که قرآن را بعد از شهادت نوشته، شهیدی که برنامه امتحانی فرزندش را دو هفته بعد از شهادتش امضا کرده است و نشانه‌های دیگری از زنده بودن شهدا به حسب آیات قرآن.

اولین و پیرترین سمت نگارخانه، مربوط به یادگاری‌های شهید افشردی معروف به حسن باقری است. لباس خونین شهید مهدی زین‌الدین از دیگر آثار ارزشمندی است که در ابتدای بازدید، انسان را به خود می‌آورد.

نوشته معروف شهید باقری را که در آن عاقبت افراد بعد از جنگ را پیش‌بینی کرده است نیز می‌توان در ویرترین یادمان این شهید بزرگوار، در کنار سایر آثارش، دید و نیز ساعتی را که روی ۱۱ و ۲۴ دقیقه متوقف شده

لمت

از ویرترین آثار جاویدالآثر احمد متوسلیان و شهید همت عبور می‌کنیم. کتاب شهید علم‌الهدی، نشانی از دانشجو بودن این بزرگوار است و کارت شناسایی شهید کاوه به مسئولیت او در ستاد بسیج خراسان اشاره می‌کند.

از دیگر آثار جذاب این نمایشگاه که حرف‌های زیادی برای گفتن دارد، وسایل گلوله خورده شهید موحد دانش، نمونه‌سازی پلایشگاه نفت (بزرگداشت شهید تندگویان)، عکس‌های متفاوت شهدا از تیپ‌های جوانانه تا چهره‌های غبار آلود جنگی

یک خاطره دانش‌آموزی ناب

گرچه شاید در دوران دانش‌آموزی چند باری برای بازدید از این موزه به زیارت شهدا در این یادمان نایل شده بودم اما هیچ‌گاه به این دقت و به چشم خریدار، به این گنجینه ننگریسته بودم. راهروی ورودی موزه شهدا، نگارخانه هنری خوش‌نویسی و نگاره‌های زیبایی دارد که دل بیننده را آماده سفری به اعماق تاریخی پرافتخار می‌کنند. مسئولان موزه در حال مهمانداری یکی از مهمانان خارجی موزه هستند، برای همین، از خواهری که ظاهراً کمتر درگیر است، می‌خواهم درباره موزه برایمان توضیحاتی بدهد.

او گرچه برای مصاحبه محدودیت دارد، مهربانانه قبول می‌کند که شمایی از موزه را به ما - به عنوان بازدید کننده‌ای عادی - نشان دهد.

شاید مهم‌ترین نکته‌ای که می‌توان از صحبت‌های این خدمتگزار شهدا دریافت، این باشد که جز یک نمادواره از طناب‌دار شهید شیخ فضل‌الله نوری (ره)، بقیه آثار شهدا، آثار معجزات و دست نوشته‌های موجود در این گنجینه، اصلی هستند و هیچ بدل و نمادی در بین نیست.

در طبقه همکف، بی‌مقدمه با ویرترین‌های آثار شهدا روبه‌رو می‌شویم. در سمت چپ راهرو نگارخانه آثار شهدای شاخص و چهره‌های آشنا تر یکصد ساله اخیر پایداری، در چند ویرترین قرار داده شده است؛ آثاری که به جز زندگی‌نامه، گاهی کرامت‌نامه

این ساختمان نه چندان کهن، موزه‌ای

است که قیمت‌اشیایی که در آن

نگهداری می‌شود، به مراتب بالاتر و

والا تر از ارزش وسایل و گنجینه‌های

موزه‌های معروف دنیا است

اگر (در تهران) از میدان فلسطین، از مسیر خیابان آیت‌الله طالقانی به سمت لانه جاسوسی - همان جایی که روز دانش‌آموز در آنجا گردهم می‌آییم - راه بیفتیم، یک چهار راه مانده به لانه، به خیابانی می‌رسیم که قدیمی‌های محل به آن فرصت می‌گویند، اما سال‌هاست که به احترام شهید موسوی، به نام او خوانده می‌شود

این تقاطع نشانی خوبی است برای آن که یادمان نرود در همین حوالی، ساختمانی سه طبقه رخ می‌نماید که در آن گنجینه‌هایی ارزشمند از گذشته و حال این سرزمین نگهداری می‌شوند.

این ساختمان نه چندان کهن، موزه‌ای است که قیمت‌اشیایی که در آن نگهداری می‌شود، به مراتب بالاتر و والا تر از ارزش وسایل و گنجینه‌های موزه‌های معروف فیلیست

این جا موزه شهدای جمهوری اسلامی است؛ مکانی برای یادآوری حماسه‌های یکصد سال مجاهدت یک ملت و جایی برای نگرستن به خود و تماشای نادیدنی‌های درون.



آن‌هاست که نشان می‌دهد نبرد مظلومانه ما همتی از سوی همه اقشار بوده است. گرچه چهره‌های افراد، پس از مرگ، اصولاً چهره‌های مناسبی برای نمایش دادن و عکس گرفتن نیستند، در انتهای راهروی اول نگارخانه، تصاویری قرار دارند که این ایده را به چالش می‌کشند.

در ویرین آثار شهید محمدرضا دیرینه حقیقی، سه عکس از لحظه شهادت، لحظه تدفین و لحظه تلقین او قرار داده شده که به زیبایی نشانه واضحی از کرامت شهید است. محمدرضا در لحظه تلقین به وضوح لبخند زده و این در حالی است که در لحظه‌های دیگر لبخندی به لب ندارد. هر که از جلوی این ویرین می‌گذرد، با تعجب و حیرت، چند لحظه‌ای به عظمت این تصاویر خیره می‌ماند.

خواندن قصه شهید روحانی صالحی خوانساری و دیدن امضای او روی برگه برنامه امتحانی فرزندش - پس از شهادت - به تأیید کارشناسان امضا و خط‌شناسی نیز رسیده است، این شگفتی‌ها را کامل می‌کند. جوهر صورتی رنگی که به تأیید شرکت‌های تولید خودکار و جوهر، مطابق هیچ یک از نمونه جوهرهای دنیا نیست: «و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله لموتاً»

از دیگر آثار زیبای این موزه، لباس تعزیه شهید خلیان بابایی است و اشیای آسیب دیده همراه شهید آوینی در هنگام شهادت.

جلوتر می‌روم. طناب بازی شهید فهمیده، وسایل نقاشی شهید کشوری، چند تکه لباس و شجره‌نامه از شهید مدرس، عکس سر بریده و لوازم شخصی میرزا کوچک خان و رئیس علی دلواری، اعلامیه‌های نواب

نظم بصری چندانی ندارند، اما زمینه مناسبی برای توضیح مراحل جنگ ماست.

آثار شهدای جمعه خونین مکه، آثار شهدای موشک باران و بمباران شهری، شهدای دانش‌آموز، خانواده‌هایی که چهار پنج شهید تقدیم اسلام و انقلاب کرده‌اند، آثار شهدای اقلیت‌های مذهبی یعنی مسیحیان، ارامنه و زرتشتیان (شهید آوانسیان، فرهاد خانی و اردشیر مردانیان)، شهدای سیاست خارجی جمهوری اسلامی، شهدای حزب‌الله لبنان (مقاومت اسلامی)، شهدای ورزشکار مانند برادران طوقانی با تمام نشان‌های پهلوانی، شهیدان تفحص (مانند شهید پازوکی و محمودوند)، شهدای خبرنگار، شهدای رسانه‌ای مانور ارتش ۱۰۰ و شهدای زن، در طبقه دوم ساماندهی شده‌اند.

اما بی‌شک از همه این آثار جان‌سوزتر آثار غنچه‌های شهید (کودکان و نوجوانان) است که هر

صفوی، قصه حر انقلاب یعنی طیب حاج رضایی، کارت شناسایی پاکستانی اندرزگو، وسایل شخصی شهدای محراب و سایر شهدای روحانی مشهور انقلاب اسلامی، سرگذشت نامه بسیار تکان دهنده شهدای شهری (نظیر طهماسبی، طالب طاهری) که منافقین آن‌ها را پس از شکنجه زنده دفن کرده‌اند، وسایل ساده رئیس جمهور رجایی، آثار شهدای نماز جمعه و بالاخره پوکه تیر شلیک شده به شهید لاجوردی و سنگی شبیه کلت کمری که شهید نصرت‌الله با آن خود را از اسارت نجات داد و به علاوه توانست چند اسیر بگیرد، بیشتر از سایر آثار طبقه اول برایم جالب‌اند. پایان‌بخش آثار این طبقه هم انگشتر شهید خانه‌عنقا است که چندین سال بعد از شهادت، خودش آن را تعمیر کرده است.

طبقه دوم البته متفاوت با طبقه اول است؛ زیرا آثار شهدا به صورت موضوعی جمع‌آوری شده‌اند و گرچه

یک به نحوی به فیض شهادت رسیدند.
بازدیدم از طبقه دوم به پایان می‌رسد اما برای بازدید از طبقه زیرین که به آثار هنری شهدای هنرمند و به آثار هنرمندان درباره شهدا اختصاص یافته است، فعلاً محدودیت وجود دارد. قرار است این قسمت یکی دو هفته دیگر بازگشایی شود.



برای آن‌هایی که به صورت گروهی از اینجا بازدید می‌کنند، بازدید از نمایشگاه عکس، استفاده از سالن آمفی‌تاتر و ویدیونماونوا، کارگاه مرمت و نمایشگاه آثار حجمی شهدا مانند نقاشی‌های شهید چمران، شهید کشوری و... با هماهنگی قبلی امکان‌پذیر است. البته این‌ها به غیر از حدود ۱۷۰۰ تابلو و چند هزار اثر آرشیو شده‌ای است که فعلاً امکان نمایش آن‌ها وجود ندارد.

باید چند دقیقه‌ای پیاده روی کنم تا با حضور در معاونت ارتباطات بنیاد شهید بتوانم شرح کامل‌تری از وضعیت موزه‌های شهید در سراسر کشور به دست آورم.

از موزه دور می‌شوم اما دلم آن‌جا مانده است؛ کنار دست‌خط شهید کلاس اولی که از آمدن باران نوشته

بود و زیر بارش موشک شهید شده بود

قدیمی‌ترین موزه انقلاب اسلامی

به گفته فرهاد شهبازی، مدیر اداره گنجینه‌های شاهد بنیاد شهید و امور ایثارگران، هم‌زمان با دستور امام راحل مبنی بر تمرکز بنیاد شهید روی مسائل فرهنگی در کنار مسائل معیشتی خانواده‌های معزز شهدا، احداث موزه‌ای برای جمع‌آوری آثار شهدا و هم‌چنین آثاری که درباره شهدا تولید می‌شود، از اولین اقدامات فرهنگی بنیاد شهید است که در سال ۱۳۵۹ به ثمر می‌رسد.

البته مکان اولیه موزه در خیابان الهیه تهران بوده است. بنیاد شهید در ابتدای امر با اجرای چند طرح رضایت خانواده شهدا را برای واگذاری آثار و یادگاری‌های فرزندان‌شان گرفته و در همین چارچوب توانسته است ضمن جمع‌آوری آثار آسیب دیده یا آلوده به مواد شیمیایی محیطی، جبهه را ترمیم و پاک‌سازی کند.

ساختمان کنونی موزه شهدا از سال ۱۳۷۵ به این کار اختصاص یافته و موزه از مکان قبلی به اینجا منتقل شده است. در موزه مرکزی بیش از پنج شش هزار اثر از شهدای شاخص یعنی شهدایی که آثار تأثیرگذارتری دارند نگهداری می‌شوند که به دلیل گنجایش اندک بخش نمایشگاهی، بیشتر این آثار به صورت فنی و استاندارد جهانی آرشیو شده‌اند.

آثاری در موزه، خانه موزه و باغ موزه

به لحاظ شرکت گسترده مردم کشور ما در جنگ تحمیلی، نهادهای

متعددی برای جمع‌آوری آثار جنگ، که آثار شهدا نیز جزئی از آن‌هاست، به وجود آمده است. به همین دلیل و هم‌چنین به خاطر تعدد شهدا، هیچ‌گاه آرشیو متمرکزی از آثار شهدا وجود نداشته است. برای مثال در تهران بزرگ، در شمال تهران، باغ موزه‌ای برای دفاع مقدس ساخته شده است. سه موزه شهدا فعالیت می‌کند و در کنار این دو نوع یادمان، چند خانه موزه نیز تحت نظارت شهرداری به نگهداری آثار شهدا در محل زندگی آن‌ها می‌پردازند. مثلاً آثاری که از شهید چمران در خانه موزه ایشان واقع در بازار تهران نگهداری می‌شود به مراتب بیشتر از آثاری است که به موزه شهدا سپرده شده‌اند.

موزه‌های شهدا در سراسر ایران



البته باید در نظر داشت که موزه شهدا مختص به تهران و موزه مرکزی در خیابان آیت‌الله طالقانی نیست. به گفته شهبازی، در سراسر کشور ۲۱ موزه تحت نظارت بنیاد شهید فعال است. از این تعداد سه موزه مربوط به تهران بزرگ، در منطقه‌های چیدر، طالقانی و بهشت‌زهرا (س) فعالیت می‌کنند و بقیه نیز آثار شهدای ۱۷

استان را به نمایش درآورده‌اند، به لحاظ استانداردهای جهانی موزه، موزه مرکزی همچنان بهترین موزه شهدای کشور محسوب می‌شود؛ البته نباید فراموش کرد که در همین موزه هم به ازای هر هزار شهید، کمتر از یک ویترین وجود دارد و امکانات، با توجه به خیل آثار شهدا و تعدد و عظمت آن‌ها، بسیار کم است. آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید.

معلم‌ها خودشان را آماده کنند

در موزه شهدا مطالبی در حوزه تاریخ، اعتقادات و هنر وجود دارد که هر آموزگاری پیش از اجرای اردو باید درباره آن‌ها اطلاعاتی داشته باشد.

برای مثال در چند بخش از موزه، کرامت‌ها و معجزه‌هایی از شهدا قرار داده شده که درک آن‌ها برای آدم‌های عادی و بسیاری از دانش‌آموزان امکان‌پذیر نیست. پیشنهاد می‌کنیم که معلمان دینی برای پاسخ‌گویی صحیح به سؤالات دانش‌آموزان در این زمینه‌ها، آماده باشند.

راهنمایی‌بازدیدکنندگان

بازدید گروه‌های دانش‌آموزی و دانشجویی از این موزه آن قدر زیاد است که امکانات به اندازه کافی فراهم نیست. با این حال، به زودی



با استقرار سامانه بلوتوث در موزه، افراد می‌توانند اطلاعات هر بخش را به این شیوه دریافت کنند تا بازدیدها به روایتگری راهنمایان موزه منوط نباشد.

ثبت‌احوال‌آثار

مطابق دستور سازمان بین‌المللی موزه‌ها، موزه‌های استاندارد موظف‌اند از همه آثار به نمایش درآمده و آرشیو شده خود، گزارشی کامل تهیه کنند و به ثبت برسانند.

موزه شهدا از این حیث هم اکنون ۱۷۰۰۰ شناسنامه اثر دارد و همه آثار، از انگشتر کوچک شهید همت تا نخ و سوزن همراه میرزا کوچک جنگلی، شرح، تاریخچه و مشخصاتی در قالب چند صفحه دارند.

موزه‌هایی به رنگ تاریخ

در بسیاری از استان‌ها مانند اردبیل یا شهرستان کاشان، موزه شهدا در محل خانه‌ای قدیمی، نقش میراث فرهنگی را نیز به خود گرفته و بازدید مردم از این موزه‌ها هم فال است و هم تماشا.

موزه‌های جهانی جنگ

در تمام جهان، به نسبت جنگ‌های صورت گرفته، موزه‌های

جنگ بسیاری موجودند که البته برخلاف موزه شهدا، عمدتاً موضوع آن‌ها انسان‌های جنگ نیستند، بلکه از انسان‌ها به صورت یکی از موضوعات مربوط به جنگ یاد شده است. البته موزه جنگ جهانی دوم در بیشتر کشورهای درگیر در این جنگ بزرگ، نمونه بارزی از موزه‌های مشابه موزه شهدا در جهان است.

حکایت زمین برای آسمان

موزه جنگ ملیتا در جنوب لبنان،



که به همت حزب‌الله در سال‌های بعد از پیروزی بزرگ سال ۲۰۰۶ در دامنه کوه ملیتا بنا شده، نزدیک‌ترین موزه جنگ به موزه شهدای ماست. در شناخت نامه موزه ملیتا این شعار نوشته شده است: این موزه روایت و حکایت زمین برای آسمان و آسمانیان است.

امتیاز موزه طبیعی ملیتا که برای بازدید آن باید بسیار راه رفت و از کوه بالا رفت و پایین آمد، این است که افراد در کنار آشنایی با شهدای مقاومت اسلامی، می‌توانند عملاً داخل سنگرهای آن‌ها شوند و با نبرد حیدری و فاطمی یاران خمینی کبیر در نبرد با رژیم اشغالگر قدس، آشنا شوند.

